

## مقدمه

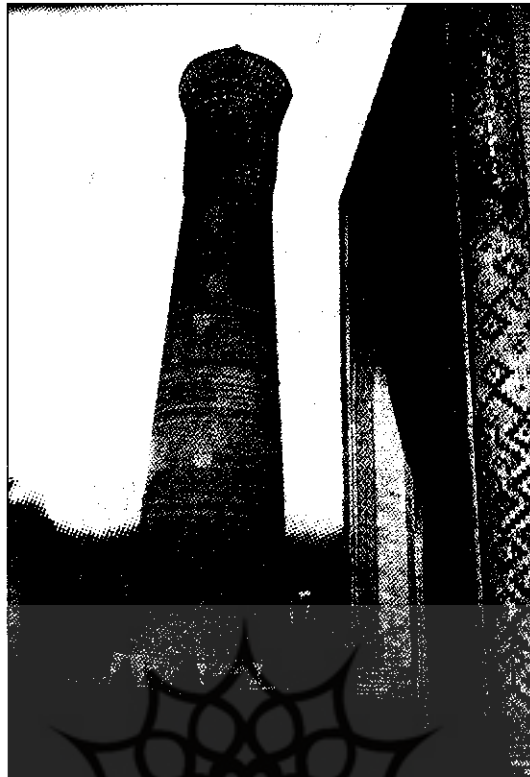
برای بررسی نقش فرهنگ اسلامی در روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوریهای مسلمان تازه استقلال یافته آسیای میانه و قفقاز، نخست لازم است معنای روشنی از اسلام در چند کلمه بیان کنیم. اسلام به معنای تسلیم در برابر حکم خداوند است و مسلمان کسی است که اسلام را بر می‌گزیند و با پذیرش آن در مقابل دین خود مسئول می‌شود. به این ترتیب مسلمان اصول و فروع دین را مورد توجه قرار می‌دهد.

به طور کلی اسلام مذهب ممکنات است و کمالات را بیان می‌کند. از دیدگاه علمای دین اسلام، ممکن است در مواقعی عمل به برخی از احکام اسلام میسر نباشد، از این رو تا آنجا که در رویه جاری تاریخ اسلام شاهد بودیم اصل رخصت مطرح می‌شود؛ به این صورت که بر اساس شرایط محیط، اعم از ضعف نفس یا فشارهای خارجی ممکن است انسان مسلمان از انجام برخی تکالیف بازماند. بنابراین اگر بپرسیم شخصی مسلمان هست یا نیست، پاسخ آن در نهایت به راه و رسم زندگی او مربوط نمی‌شود، بلکه به احساس و درک او از جهان اسلام باز می‌گردد. به این ترتیب اسلام میدان عمل بسیار وسیعی یافته است و همین تساهل و اغماض از تواناییهای عظیم این دین است.

جمعیت مسلمانان ساکن جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز در مجموع عظیمترین جمعیت مسلمان را پس از کشورهای اندونزی و پاکستان و بنگلادش تشکیل می‌دهد.

پراکندگی جمعیت مسلمانان در اتحاد شوروی سابق رومی‌توان در حدباختری تا مرزهای لهستان، حد خاوری تا چین، در شمال تا سبیری، و در جنوب تا مرزهای ترکیه، ایران، افغانستان، و چین مشاهده کرد. به این ترتیب در اتحاد شوروی سابق علاوه بر جمهوریهای قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، آذربایجان، و ازبکستان، در سایر جمهوریها نیز تعداد مسلمانان قابل توجه است.

قریب ۴۴/۵ میلیون مسلمان در شوروی سابق زندگی می‌کنند. مسلمانان شوروی سابق دارای منشأ اجتماعی و فرهنگی و حتی زبانی متفاوتی‌اند و در میان مسلمانان این سرزمین ۱۵ شاخه ترکی، ۱۰ شاخه فارسی، و ۳۰ شاخه قفقازی وجود دارد. به عنوان مثال تاتارها، آذربایجانیها، ازبکها، و ایغورهای شوروی سابق از مسلمانان ترک تبار؛ تاجیکها، اوستها، کردها، و بلوچها و مسلمانان ایرانی نژاد و لژیها و



# اسلام در آسیای میانه

## نقش فرهنگ اسلامی

### در روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوریهای

### تازه استقلال یافته آسیای میانه

علی اکبر حاج مؤمنی

طباسرانه‌ها دارای ریشه قفقازی و گروه‌های کوچک دیگری نظیر اعراب، دونگنهای چینی، مردوها هم جزء جامعه اسلامی به شمار می‌روند.

زبان مشترک مذهبی مسلمانان اتحاد شوروی سابق زبان قرآن یا زبان عربی بود. زبان فارسی نیز به خاطر اشتراک بسیار زیاد با زبان عربی در آسیای میانه و قفقاز به عنوان "زبان بزرگ" علمای اسلامی در آسیای میانه و قفقاز به شمار می‌رفت. اهمیت زبان فارسی در این منطقه از عوامل متعددی ناشی می‌شود، زیرا تاجیکها به لحاظ پیشینه تاریخی همواره سرزمین خود را مهد زبان و ادب فارسی می‌دانند. در این باره آقای دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش پس از سفر به تاجیکستان می‌گوید: "تاجیکها معتقدند رودخانه‌های زبان فارسی از تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد و در سرزمین ایران جاری می‌شود." وی در مقاله‌ای تحت عنوان **چهارشنبه‌ای در دوشنبه که در کیهان فرهنگی اردیبهشت ۱۳۷۰** به چاپ رسید، می‌نویسد: "در بسیاری از موارد زبان فارسی ریشه‌های اصلی خود را در تاجیکستان حفظ کرده است."

در این باره محمدرضا لطف‌الله یف از مسئولان وزارت معارف تاجیکستان در سفری به جمهوری اسلامی ایران چنین می‌گوید: "تاجیکها به میوه نرسیده غوره می‌گویند، در حالی که در ایران غوره به انگور نرسیده اطلاق می‌شود. با توجه به این مطلب و مقایسه آن با اشعار شعرای نامدار ایران می‌توان دریافت که در بسیاری از اشعار شعرای ایرانی نیز از میوه‌های نرسیده تحت عنوان غوره نام برده شده است، در حالی که اصطلاح عامیانه در کشورمان در مورد میوه نرسیده اصطلاح کال است." به این ترتیب به نظر می‌رسد ادبیات فارسی در جمهوری تاجیکستان دارای اهمیت زیادی است، این اهمیت به اندازه‌ای است که با وجود رواج مذهب حنفی در تاجیکستان، تاجیکها با مردم شیعه ایران همبستگی زیادی احساس می‌کنند.

یکی دیگر از عوامل وحدتبخش فرهنگ اسلامی در جمهوریهای مسلمان نشین آسیای میانه و قفقاز تجربه تصوف است. سرمنشأ تصوف به اوایل ظهور اسلام باز می‌گردد و نماینده جنبه زاهدانه و الهامی این آیین است. در تعلیمات تصوف طریقه‌های متفاوتی وجود دارد. هرچند آنها از نظر شیوه و روش متفاوتند، ولی در وصول به هدف یکسانند. از صوفیان معروف

در تاریخ اسلام آسیای میانه می‌توان از یوسف همدانی (متوفی ۱۱۴۰ م.)، احمد یسومی (اواسط سده دوازدهم میلادی)، نجم‌الدین کبری (۱۱۴۵ - ۱۲۲۱ م.)، و بهاء‌الدین نقشبند (۱۳۸۹ - ۱۳۱۸ م.)، نام برد. این چهار تن در تاریخ تصوف اهمیت بسزایی دارند، زیرا در انتقال مسلک تصوف حلقه‌های اساسی محسوب می‌شوند.

تصوف در پرورش احساس تعلق به یک مجموعه، نقش مهمی بازی می‌کرد، به این طریق تصوف توانست به صورت شبکه‌ای پیچیده نقش مهمی در جوامع آسیای میانه ایفا کند. این نقش بر ضد فشارهای مخالف بر جامعه مسلمان آسیای میانه بود. بی‌مناسبت نیست که بسیاری از رهبران صوفیه غالباً "پیشگامان مبارزات ملی بوده‌اند".

از جمله رهبران مبارز صوفیه در آسیای میانه می‌توان از مبارزات شیخ منصور (اواخر سده هیجدهم)، امام شامل در قفقاز (۵۹ - ۱۸۳۴). قربان میرات (۱۸۸۱ م.) در گوگ - تپه ترکمنستان، و شیخ مدالی (۱۸۹۸ م.) در ازبکستان نام برد.

از زمان حکومت کمونیسم شوروی بر آسیای میانه رهبران تصوف نیز در برانگیختن شورشهایی چند فعالانه شرکت جستند؛ از آن جمله می‌توان از اوزون حاجی و امام نجم‌الدین در قیام ۱۹۲۰ داغستان یاد کرد. به همین دلیل اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۲۰ به موازات سیاستهای دولت ترکیه درصدد محو تصوف کوشید، اما این امر باعث تشکیل جوامع سری صوفیان شد.

تلاشهای ضد مذهبی دولت اتحاد شوروی در سال ۱۹۲۵ میلادی با تعطیل محاکم شرعی و ممنوعیت استفاده از عناوین مذهبی و پوشیدن عبا در خیابان شدت گرفت. در سال ۱۹۲۸ خط و الفبای لاتین به جای خط و الفبای عربی نشست. این سیاستها در آن سالها به گونه‌ای مشابه در ایران و ترکیه نیز به اجرا درآمد.

پایان یافتن حیات حکومت کمونیستی در سال ۱۹۹۱ میلادی در اتحاد شوروی، شکل جدیدی از جغرافیای سیاسی منطقه به دست داده است. این در حالی است که هیچ دلیلی مبنی بر شدت و ضعف علایق مردم مسلمان جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز به اسلام در مقایسه با سال ۱۹۲۵ وجود ندارد، هرچند که اثرات گذشت زمان را نمی‌توان نادیده انگاشت. امروز اگرچه فیودات انجام تکالیف اسلامی در



**\* یکی از ابعاد مهم ضرورت توسعه زبان فارسی، نظارت بر روابط سیاسی و جلوگیری از تهاجم فرهنگی در جمهوریهای آسیای میانه است.**



منظور از بخش هسته وجود یک یا چند کشور است که انسجام بیشتری دارند. این انسجام از نظر تشابهات، همبستگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و مکمل بدون کنش متقابل میان دولت‌ها ناشی می‌شود.

## ۲. شکل جدید نظام منطقه‌ای

با ورود جمهوریهای مسلمان نشین ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، و آذربایجان به صحنه سیاسی آسیای جنوب غربی نظام منطقه‌ای دچار تحول شگرفی شد.

این جمهوریها در حالی که شکست سیاست روسی سازی و شورایی را تجربه کرده بودند، در مقابل رؤیازدگی ناشی از نتایج بد اقتصاد سوسیالیسم قرار دارند. چنین تجربه‌ای این جمهوریها را در مقابل ضرورت تلاش برای کسب مشروعیت قرار داده است. بر این اساس به نظر می‌رسد در مرحله فعلی این جمهوریها به دنبال مشوقهای توسعه اقتصادی و سیاسی هستند.

اینک شاید این گونه نتیجه گیری شود که واگرایی موجود در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز برای رشد و تقویت مبانی عقیدتی در امور فرهنگی و دینی زمینه‌ای فراهم نسازد، در حالی که حرکت‌های این جمهوریها در زمینه سیاست خارجی نشان دهنده کشش آنها به سمت نظام منطقه‌ای خاورمیانه است. عوامل این کشش را می‌توان به ترتیب زیر تقسیم بندی کرد:

الف: جهان اسلام به عنوان یک چهارچوب ایدئولوژیکی و اخلاقی برای جامعه پس از سوسیالیسم جاذبه سیاسی فراوانی دارد.

ب: زمینه تاریخ مشترک و اثرات منفی تحریف اسناد تاریخی، تغییر القبا، و اسامی محلی توسط دولت مسکو.

## اطلاعات کلی

### ۱. یک تقسیم بندی اجمالی از نظامهای بین‌المللی

در روابط بین الملل منظور از سیستم یا نظام، مجموعه‌ای از روابط است که متقابلاً میان واحدهای خود مختار در یک صحنه عملیاتی خاص وجود دارد. صحنه عملیات را می‌توان در سه مقیاس جهانی، منطقه‌ای، و ملی مورد مطالعه قرار داد.

صحنه جهانی صحنه مقابله و رویارویی قدرتمندترین دولتهاست. در صحنه منطقه‌ای کنشهایی بین اعضای آن وجود دارد و نظام تابع یا نظام منطقه‌ای بر اساس آن شکل می‌گیرد و سرانجام در نظام ملی، کشور صحنه عملیات واکنشهایی است که میان سازمانها و نهادها در جریان است و سیاست داخلی هر کشور از آنها متأثر می‌شود.

هر نظام منطقه‌ای نیز با تقسیمات سه گانه داخلی مشخص می‌شود، یعنی بخش هسته، بخش پیرامون، و بخش مداخله‌گر خارجی.

جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز با ایران اسلامی قابل مقایسه نیست، ولی وضع اسلام و مسلمانان در این جمهوریها به هیچ وجه نا امید کننده نیست؛ زیرا اسلام دینی است که همواره چیزی برای عرضه دارد و حتی فقدان یک سیستم حمایتی باعث نشده تا حضور اسلام در جمهوریهای آسیای میانه کاهش یابد. امروز وظیفه جمهوری اسلامی ایران است تا با گسترش روابط فرهنگی خود گام ارزنده‌ای برای تجدید حیات اسلام در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز بردارد.

تحقق چنین فرضیه‌ای نیازمند بررسی زمینه‌هایی است که در تاریخ روابط ملل آسیای میانه با ایران وجود دارد. این زمینه‌ها باید تقویت شوند. استمرار ارتباط همه جانبه با جمهوریهای آسیای میانه الزام تبادل فرهنگی را نیز پیش خواهد آورد. بنابراین ایران اسلامی باید نشان دهد امضای یادداشت‌های تفاهم، مبادله نامه‌ها، و ... با جمهوریهای آسیای میانه، اسناد مکتوب مبتنی بر اراده ملل آسیای میانه و جمهوری اسلامی ایران برای تجدید حیات اسلام و مسلمانان در آسیای جنوب غربی است.

### ۳. تقسیم بندی اقوام مسلمان در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز

در جمهوریهای آسیای میانه اقوام ازبک، قزاق، تاجیک، ترکمن، قرقیز، و قراقالپاق، اویغور، دونگن، ایران، بلوچ، افغان، عرب، چالا، جمشیدی، کولیهای آسیای میانه، هزاره و بربر، کاشغری، فپچاق، قرما، پرمیر، غلجایی، تاجیکهای کوهستانی، تارنجی، ترکان فرغانه و سمرقند، سرت قلموق، ترکان عثمانی، و یغنا بیها ساکن هستند.

ساکنان ماورای قفقاز و قفقاز شمالی نیز عبارتند از آذربایجانیها و داغستانیها. تقسیم بندی اقوام داغستان نیز عبارتند از آوارها، لژگیها، دراگینها، کوفیکها، لکها، طاسرانها، نوگایها، روتولها، تساخورها، آگوبها، چچنها، اوستینها، کاباردینها، انیگوشها، قره چایها، کردها، آدیغها، ایخانها، چرکسها، آبازاها، تاتها، اجارها، آیروما، آخونها، اندیها، آرچینها، گللهها، بتلیخها، بودوخوا، چملها، ددویها، گودوبرنیا، اینگیلویها، قیتاها، قره پاپاخوا، قره ناخوا، خمشینها، خونزلها، خینالوگها، خمشیلها، خوراشینها، کریزها، قوبه چیها، لازها، ترکهای مسختی، ایرانیها، طالشی ها، تروجمتها، و سایر اقوام.

به طور کلی در اتحاد شوروی سابق ۹۳ قوم مسلمان و ۱۷ قوم ترک غیر مسلمان ساکن هستند.

### ۴. زبان ملی در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز

منظور از زبان ملی، زبانی است که گروهی قوی به تواتر از نیاکان خود به ارث برده‌اند و معمولاً وجه تسمیه آن قوم هم می‌باشد، همچنانکه ازبکی زبان قوم ازبک است. البته نامگذاری همیشه چنین نیست، مثلاً زبان افغانها دری و پشتو است نه افغانی.

در سرشماری عمومی سال ۱۹۲۶ اتحاد شوروی ۱۵۰ زبان ملی ثبت شده است که حدود ۲۰ زبان دارای اشکال ادبی بودند.

در ارتباط با خط نیز به استثنای موارد جزئی، الفبای کلیه زبانهای ملل مسلمان در امپراطوری روسیه، عربی بود. غالب آنها در سال ۱۹۲۳ شکل تعدیل یافته این خط را پذیرفتند و در سال ۱۹۳۵ برای بسیاری از زبانها شکل دومی از خط لاتین باب شد. از سال ۱۹۴۰ به بعد خط "سیریلی" روسی برای نگارش تمام السنه

### \* امروزه مسئله عمده

کشورهای اسلامی تعیین راهی برای روی آوری به قرن بیست و یکم در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیکی پی در پی و در عین حال حفظ میراث پر افتخار گذشته خود است.



خانم گلرخسار شاعره معروف تاجیک در این باره می‌گوید:

"در دوره استالین سیاست کتابسوزی آغاز شد. این سیاست بعد از استالین نیز ادامه داشت، با این وجود ما توانستیم در مدتی اندک حدود یک میلیون و پانصد هزار نسخه خطی را جمع آوری کنیم. بعد امیدواریم رشته گسسته فرهنگی ما دوباره پیوسته شود. زیرا آنچه که طی قرنهای ملت ما را در مقابل تهاجمات مختلف حفظ کرده زبانمان بوده است. زبان فارسی حقیقتاً عامل دوام و بقای ما بود. تاجیکها از قدیم‌الایام با خط عربی، فارسی می‌نوشتند. هنوز در تاجیکستان مردم کتاب حافظ رابربالین نوزادان می‌گذارند تا نگاهیان فرزندان تاجیک باشد. هیچ تاجیکی در فهم شاهنامه فردوسی دچار مشکل نیست، این درک در واقع بخشی از هویت ملی ماست. ما معتقدیم زبان در عین اینکه بستری برای انتقال مفاهیم است، انعکاسی از اعتقادات و فرهنگ و آداب و رسوم نیز هست. با وجود دوره فترت هفتاد و چندساله، دین اسلام پیوند تاجیکها را با زبان فارسی محفوظ نگاه داشته است، چنانکه اگر ما از دین اسلام بی‌خبر باشیم حافظ و مولوی

مسلمان شوروی ترویج شد. این امر باعث شد زبان مردم جمهوریهای آسیای میانه در زیر چکمه‌های خونین استبداد فرهنگی رژیم کمونیستی حاکم دچار زخمهایی شود که التیام آنها سالیان سال طول خواهد کشید.

### ۵. زبان فارسی در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز

پس از تشکیل اجلاس آلماتا در قزاقستان روند تجزیه و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد. هر پانزده جمهوری اتحاد شوروی به جمهوریهای مستقل مبدل شدند. در آسیای میانه و قفقاز نیز هشت جمهوری مستقل به نامهای ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، و ازبکستان استقلال خود را اعلام کردند. از این هشت جمهوری به استثنای گرجستان و ارمنستان بقیه مسلمان نشین هستند. جمهوریهای آذربایجان و تاجیکستان بین شش جمهوری مسلمان آسیای میانه و قفقاز بیشترین اشتراکات تاریخی، زبانی، و ... را با جمهوری اسلامی ایران دارند.

اینک در جمهوریهای ششگانه حرفهای نگفته، کلمات اسیر در زنجیر، و افکار در نهانخانه مانده نشو و نمای جدیدی آغاز کرده‌اند. عبارات به میان آمده‌اند، اما با بار خستگی هفتاد ساله، با این وجود هنوز سرشار از زندگی و حیات هستند.

انجمنهای ادبی، تشکلهای فرهنگی، و ... در صدد پیوند دوباره مردم این دیار با پیشینه و هویت فرهنگی خود است.

این خلق و خوی بازسازی و پیراستن فرهنگ و زبان فارسی در جمهوری تاجیکستان دارای ویژگی متفاوتی با سایر جمهوریهاست.



## \* جمعیت مسلمانان ساکن جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز در مجموع عظیمترین جمعیت مسلمان را پس از کشورهای اندونزی و پاکستان و بنگلادش تشکیل می دهد.

پیشنهاد شد یک مؤسسه مطالعات بین‌المللی آسیای مرکزی در سمرقند تأسیس شود. این پیشنهاد که در اجلاس یونسکو در پاریس مطرح شده بود از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد استقبال قرار گرفت.

در این اجلاس که نمایندگان کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، و کشورهای هم‌مرز با این جمهوریه‌ها شرکت داشتند، پیرامون مطالعه و تحقیق پیرامون آثار و ابنیه تاریخی، مردم‌شناسی، وضعیت فرهنگی، هنر اسلامی، و مسائل قومی آسیای میانه بحث و بررسی به عمل آمد.

دستور کار پیش‌بینی شده برای مرکز مطالعات بین‌المللی سمرقند توجه به موضوعات فوق‌الذکر بود. این مرکز در سایر جمهوریه‌ها نیز شعبه‌هایی خواهد داشت.

در این اجلاس تشکیل کنگره بین‌المللی توسعه همکاریهای علمی و فرهنگی بین جمهوریه‌های مستقل آسیای میانه و کشورهای هم‌جوار که به همت یونسکو در آبان ماه سال جاری در شیراز برگزار خواهد شد، مورد حمایت قرار گرفت.

در جمهوری ازبکستان نیز فعالیتهای مطبوعاتی پیش از استقلال این جمهوری به شدت وابسته به حزب کمونیست بود. در مطبوعات ازبکستان که به زبانهای ازبکی، روسی، یونانی، تاجیک و زبان تاتار کریمه منتشر می‌شدند، زبان فارسی جایی نداشت. عدم حضور زبان فارسی در مطبوعات ازبکستان یک اقدام عمدی از سوی حزب کمونیست بود. با این وجود به خاطر مرکزیت روحانی آسیای میانه و قزاقستان در شهر تاشکند خط فارسی توانست جایگاه خود را تا حدودی در ازبکستان حفظ کند. شدت هراس کمونیستها از توسعه زبان فارسی در جمهوری ازبکستان به اندازه‌ای بود که پس از استقلال این جمهوری آثار ناشی از مشکلات دوران حاکمیت کمونیسم در ارتباط با زبان فارسی همچنان باقی است. شدت فعالیتهای سردمداران حکومت سابق ازبکستان بیشتر متوجه زبان فارسی بود تا زبان عربی. این امر از آن جهت بود که زبان عربی در طول حاکمیت کمونیستها به عنوان ابزاری برای ثبات نظام کمونیستی به تبعیت از عناصر روحانی در آمده بود که سر تسلیم در مقابل کمونیستها فرود آورده بودند. اما کمونیستها هیچگاه نتوانستند ادب فارسی را در جهت اعمال حاکمیت نظام الحادی خود به کار گیرند. به همین لحاظ افکار عمومی



ازبکستان در مقایسه با جمهوری تاجیکستان هرچند کمتر است، اما دارای ویژگیهایی است که جمهوری تاجیکستان فاقد آنها است. شهرهای سمرقند و بخارا در جمهوری ازبکستان واقع شده‌اند. هرچند تاکنون ازبکها تمایل چندانی نسبت به گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران نشان نداده‌اند، اما نفوذ فرهنگ و ادب فارسی در این جمهوری موجب شده ازبکها در سیاستهای انزواگرایانه خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران تجدید نظر کنند. دولتمردان ازبک نقش ایرانیان را در هر تلاشی برای احیای فرهنگ اسلامی خود به خوبی درک می‌کنند، هرچند این تلاشها از جانب سازمانهای بین‌المللی انجام گیرد. در روز دهم تیرماه سال ۱۳۷۱ در پاریس

و مقوله تصوف و اساساً جریان پاکي و قداست انسانها را درک نخواهیم کرد". میرزاتوید خالده‌زاده مدیر و مجری برنامه فرهنگ و هنر در تلویزیون تاجیکستان نیز درباره زبان فارسی در تاجیکستان و نقش آن در پیوند فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: "مردم تاجیکستان امروز مجذوب شعرا و نویسندگان ایرانی شده‌اند. مولوی، عطار، سنایی، و کلاً تمام کسانی که در ادبیات ایران زمین نقش داشته‌اند اگر نمی‌بودند، هویت ما امروز محو شده بود. پشتوانه فرهنگ تاجیکستان، ایران بود و هست و برای تداوم و بقای این هویت باید در جهت حفظ پیوند با ایران اسلامی کوشید". گسترش و نفوذ زبان فارسی در جمهوری

مردم سمرقند و بخارا با وجود سخت‌گیریهایی نسبی کنونی در این جمهوری احیای خط و زبان فارسی را در این دوشهر مورد استقبال قرار می‌دهد.

ضرورت توجه جمهوری اسلامی ایران به روابط فرهنگی به ویژه در زمینه توسعه زبان فارسی در جمهوری ازبکستان از دلایل مختلفی ناشی می‌شود: یکی از این دلایل وجود بیش از یک و نیم میلیون ازبک در افغانستان است.

توسعه زبان فارسی در چهار جمهوری قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان، و ترکمنستان هرچند نسبت به ازبکستان و تاجیکستان مشکلتر است، اما به لحاظ تقارن فرهنگ اسلامی با زبان و ادبیات فارسی از دیدگاه مردم این منطقه از جایگاه خاصی برخوردار است. برای این منظور توسعه مدارس آموزش زبان فارسی، اعزام گروهی از معلمان این جمهوریها به مراکز تربیت معلم کشورمان برای فراگیری تدریس آموزش زبان فارسی، تأسیس چاپخانه با خط فارسی در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز از اهمیت بسیاری برخوردار است.

بعد دیگر ضرورت توسعه زبان فارسی نظارت بر روابط سیاسی و جلوگیری از تهاجم فرهنگی در جمهوریهای آسیای میانه است. امروزه بخش وسیعی از جمهوریهای آسیای میانه به ویژه آذربایجان مورد تهاجم فرهنگی مخصوصاً ترویج فرهنگ مبتدل غربی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی کشور ترکیه است و این در حالی است که قشر مذهبی این جمهوری که اغلب نسبت به غیر مذهبی‌ها از تمکن مالی مطلوبتری برخوردارند، احساس انس و الفت بیشتری نسبت به ایران اسلامی دارند.

فعالیت شرکت نفتی شورون، که از شرکتهای آمریکایی است، در قزاقستان از طریق انعقاد قراردادهای اکتشاف نفتی چند ده ساله در این جمهوری و به رسمیت شناخته شدن هر شش جمهوری از سوی رژیم صهیونیستی و تلاش برای تأسیس نمایندگی سیاسی در قزاقستان و ازبکستان از جمله مواردی است که نشان دهنده توجه بیش از اندازه محافل امپریالیستی و صهیونیستی به این جمهوریهاست.

شرکت اسرائیلی مرهاو نیز با انعقاد چهار قرارداد جداگانه برای گسترش کشاورزی و تولید مواد غذایی در جمهوری قزاقستان تلاش هدفنداری را در این جمهوری آغاز کرده است. براین اساس می‌توان به اهمیت تلاشهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه

## \* امروز وظیفه جمهوری اسلامی ایران است تا با گسترش روابط فرهنگی خود گام ارزنده‌ای برای تجدید حیات اسلام در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز بردارد.



جمهوریهای آسیای میانه و روند فعلی حرکت این جمهوریها، به ویژه در بعد فرهنگی، نشان دهنده وجود اشتباهی در برداشت از حرکات ضد فرهنگی اتحاد شوروی سابق بود.

به اعتقاد محافل غربی شتابزدگی برای قضاوت درباره سرنوشت آینده مناطق مسلمان آسیای مرکزی در زمانی که امپراطوری شوروی در حال تجزیه شدن است، از دهه ۱۹۶۰ که شوروی طی آن باثبات به نظر می‌رسید کم‌خطرتر نیست. از دهه ۶۰ مشکل اصلی تحلیلگران کمیود اطلاعات بود، در حالی که اینک دشواری اصلی ناشی از وفور اطلاعات و عدم وجود چهارچوب تحلیلی جامعی برای تعبیر و تفسیر این اطلاعات است. به این ترتیب از ساده پنداری در برخورد با

و قفقاز پی برد.

## تال جامع علوم انسانی جایگاه فرهنگ اسلامی در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز

### ۱. بررسی نظریه‌های غربیها

متخصصان علوم اجتماعی غرب در زمینه مسائل فرهنگی و توسعه و عقب افتادگی در طول دهه ۶۰ میلادی، دستاوردهای شوروی در جمهوریهای مسلمان آسیای میانه و قفقاز را مورد تحسین قرار داده، برخی از آنها پا را فراتر گذاشته کشورهای در حال توسعه غیر کمونیست را به درس آموزی از تجربه شوروی و در پاره‌ای موارد به تبعیت از آن تشویق می‌کردند. استقلال

آسیای میانه باید به طور جدی پرهیز کرد. یک نمونه از این نوع برخورد کار آن دسته از محققانی است که احساسات ملی و جریانات سیاسی ملی گرایانه در منطقه مزبور را مقدمه ظهور دولت - ملت در آسیای میانه تعبیر می‌کنند. دسته دیگری از محققان وجود نهضت‌های اسلامی در کشورهای آسیای میانه را تعیین کننده هویت این کشورها در کنار دیگر ممالک مسلمان جهان تفسیر می‌کنند. ولی شناخت واقعیت به اعتقاد غربیها اقتضا می‌کند که از کلی گویی درباره عوامل تعیین کننده شرایط مختلف سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی آسیای میانه و قفقاز پرهیز کنند.

سؤال غرب این است که هنگام بحث درباره آسیای میانه چه خصایص و ویژگیهایی را باید مورد توجه قرار داد؟ ملی گرایی، هویت اسلامی، گرایشهای قومی و قبیله‌ای و یا...؟ در اینجا اگر دیدگاه هویت اسلامی را مورد توجه قرار دهیم معنا و مفهوم مرزهای موجود در بین کشورهای مسلمان این منطقه رنگ خواهند باخت.

در صورتی که به ابعاد ملی گرایانه توجه کنیم، مرزهای بیشتری حتی بیش از هشت جمهوری در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز قابل پیش بینی خواهد بود و در صورتی که گرایشهای قومی - قبیله‌ای را مورد توجه قرار دهیم به طور کلی باید بحث حکومت و حاکمیت، دولت، قلمرو و سرزمین را به کناری نهیم.

با توجه به نظریه غربیها باید در درجه نخست یک نکته را مورد توجه قرار داد و آن این است که آیا نظریه‌های غربی که تبلیغ می‌شوند به واقع نظریه غربیهاست؟ به عبارت دیگر آیا غرب می‌خواهد ما هم به آن شکلی که آنها می‌خواهند درباره آسیای میانه و قفقاز بیندیشیم؟ پاسخ این سؤال قدر مسلم در چنین مجالی امکان پذیر نیست؛ به این ترتیب ما اساس اندیشه خود را نه بر مقطع و موقعیت امروزی بلکه بر اساس اصول متشکل اصیل که تاریخ را در پشتوانه خود دارد، درباره آسیای میانه و قفقاز قرار می‌دهیم. هر چند که در این اندیشه نیز باید از جزم گرایی پرهیز کرد.

## ۲. علل تجدید حیات فرهنگ اسلامی در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز

دو نقطه عطف در تاریخ اسلام اتحاد شوروی سابق وجود دارد. سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و انقلاب کمونیستی

## \* یکی از عوامل وحدتبخش فرهنگ اسلامی در جمهوریهای مسلمان نشین آسیای میانه و قفقاز تجربه تصوف است.

آوریل در افغانستان.

تا پیش از سال ۱۹۷۸ از نقطه نظر اتحاد جماهیر شوروی، خاورمیانه منطقه نسبتاً با ثباتی بود که پاره‌ای نظامهای سنطنتی یا دموکراسی‌های میانه رو بر آن حکومت داشتند. این حکومتها ضد کمونیست (و بی‌علاقه به اسلام) بوده و در عین حال روابط نسبتاً حسنه‌ای با مسکو داشتند. هیچیک از این کشورها شوروی را تهدید نمی‌کردند، حتی روابط مسلمانان اتحاد جماهیر شوروی با مسلمانان ایران یا افغانستان به خاطر حایل بودن پرده آهنین، شبیه ارتباط ساکنان کره زمین با ساکنان دیگر سیارات بود.

تحولات انقلابی در ایران و افغانستان این صحنه آرام را در هم پیچید. این دو تحول محدود به مرزهای این دو کشور نبود، بلکه به خاورمیانه نیز سرایت کرد.

به این ترتیب با از هم پاشیدگی کمونیسم در اتحاد شوروی که منجر به استقلال پانزده جمهوری در این کشور شد، پرده آهنین از میان رفت و اسلام شوروی سابق بار دیگر به عنوان بخش فعال دارالسلام مورد توجه قرار گرفت. تحولات ایران در مقایسه با جنگهای چریکی افغانستان اثرات به مراتب عمیقتر و در برد طولانی - خطرناکتر بر اسلام شوروی برجای گذارد.

از نقطه نظر مسلمانهای سرزمینهای مرزی شوروی در ایران یک انقلاب اسلامی بنیادگرا و ضدامپریالیستی در جریان است. این امر بدین معناست که انقلاب اسلامی ایران نه یک انقلاب شیعی بلکه یک انقلاب جهان شمول در مقابله با امپریالیسم است.

اعتبار ایران در سراسر جهان ترک و ایرانی مدیون فرهنگ منحصر به فرد و پیشرفته آن است. بخشی از این اعتبار نیز به خاطر دولتمداری دیرینه‌اش به ویژه در مورد مسلمانان قفقاز است.

با نگرشی کلی نسبت به موقعیت بین‌المللی دین مبین اسلام می‌توان دریافت که امروزه اسلام

خود را به عنوان یکی از نیروهای عمده معنوی، اخلاقی، و سیاسی مطرح می‌کند که نقشی جهانی را به عهده داشته و دارد. نقشی که با گذشت سالها و قرن‌ها انسجام خواهد یافت. دلیل این امر نیز این است که اسلام تنها یک دین نیست، بلکه یک فرهنگ، یک تمدن، یک فلسفه، و همچنین یک بینش انسانی در سطح جهان و یک راهنما برای اعمال و کردار انسانهاست. چنین موقعیتی انسانها را مجبور می‌سازد که چه به صورت دسته جمعی چه به صورت انفرادی از توانیها و خلاقیت‌های خود به طریقی که شایسته گذشته درخشان آنها باشد حداکثر استفاده را ببرند و مسئولیتهای فعلی و آتی خود را بپذیرند و حضور خود را در جهانی که با عقاید ضد خدایی و نیستی احاطه شده است و انواع برخوردها و بحرانها بر آن حاکم است تثبیت کنند.

امروزه مسئله عمده کشورهای اسلامی تعیین راهی برای روی آوردی به قرن بیست و یکم در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، علمی، و تکنولوژیکی پی در پی و در عین حال حفظ میراث پرافتخار گذشته خود است.

برای پاسخ مناسب به این مسئله مشکلات جدی سر راه وجود دارد. بخشی از این مشکلات متوجه نظامهای آموزشی امروزی است. به عبارت دیگر جهان امروز متوجه ارزشهای فرهنگی و عملکردهای فرهنگی حاکم و تأکید بر رقابت به جای همکاری است. با این ارزیابی، فرهنگ جهانی با بحران مواجه است و نظامهای آموزشی کنونی با زمان فعلی مطابقت ندارند، به این ترتیب ما به این نکته می‌رسیم که فرهنگ ما باید معنای اصلی واژه "پیشرفت" را تأمین کند.

ویژگی دیگر این بحران در جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز و همچنین دیگر کشورهای منطقه این است که فرهنگ اسلامی رایج در منطقه با وجود برخورداری از زمینه‌های مناسب در تقویت بنیه آموزشی به عنوان عامل تأثیرگذار بر نظامهای آموزشی رایج عمل نکرده است. علت اصلی چنین ضعفی متوجه عوامل بازدارنده نظیر حکومتها، دخالت‌های بیگانه، ضعف آموزشی و فرهنگی است.

برخورد با این مشکلات مستلزم بهره‌گیری از امکانات بالقوه و استفاده از عوامل مشوق همگرایی منطقه‌ای است. محور عامل همگرایی منطقه‌ای همان گونه که اشاره شد فرهنگ اسلامی است.